

## نگذارید همسر و رقایش به جرایم واهی زندانی شوند!

**به تمام نهادها و سازمانهای زنان، به اتحادیه های کارگری و نهادهای دفاع از حقوق بشر!**  
**به همه زنان و مردان انسان دوست، به همسرانشان کارگرم در سراسر ایران!**

دوستان عزیز! شرایطی است که برابر با مقابله همسر من برهان دیوارگر دبیر نامه های سازمان جهانی کار که تشکل سراسری کارگران علییه به امضای دولت ایران نیز رسیده بیکاری همراه با ۴ نفر از است، برگزاری مراسم روز کارگر دوستانش به جرم شرکت در حق هر کارگری می باشد و مراسم روز کارگر در سال ۱۳۸۳ احتیاجی به اخذ مجوز از هیچ در شهر ما سقز محکوم به زندان سازمان و نهاد دولتی ندارد. شده اند. اینها همراه دو نفر از شوهرم و دوستانش مجرم کارگران بوکان بعد از ۱۲ روز نیستند، روزکارگر و تلاش برای زندان در اردتبهشت ۱۳۸۳ با متشکل شدن در مقابل فقر و بی اعتراضات وسیع در ایران و در حقوقی کارگران جرم نیست. سطح بین المللی از زندان آزاد دفاع از کودک خیابانی و تلاش شدند. اکنون بعد از ۱۸ ماه برای احترام به حقوق کودکان، محمود صالحی حکم ۵ سال تلاش برای متشکل کردن زندان و ۳ سال تبعید، جلال کارگران بیکار کجای دنیا جرم حسینی ۳ سال زندان و محسن محسوب میشود؟ احکام دادگاه حکیمی، محمد عبدی پور و سقز ظالمانه است. این احکام و همسر هر کدام حکم ۲ سال جرایم اعلام شده علیه شوهرم و زندان گرفته اند. برهان دیوارگر دوستانش محاکمه کارگر و در ۱۶ مرداد ماه امسال به جرم کودک و انسان به جرم انسانیت فعالیت برای تشکلهای آزاد است.

کارگری، متشکل من زنی از میلیونها زن خانه دارم که در هیچ لیستی در این حقوق کودکان دستگیر و بعد از مملکت بعنوان يك انسان بیکار ۴۰ روز زندان و شکنجه باز با که حق و حقوقی دارم محسوب همت اعتراضات جهانی با وثیقه نمیشوم. حکم زندان به شوهرم و آزاد شد و ماجرای محاکمات دوستانش را محاکمه خود و بعدی او جدا از این ۲ سال زندان کودکانم میدانم. این تنها هنوز مانده است. این در همسر نیست ← ۴

## پشت درهای بسته!

زنان در خانواده است. دامنه این ضربات مشت و لگد و چاقو و یا خشونت از زورگویی و تهدید و شلیک گلوله از پا در نیابند، بهانه جویی گرفته تا فشار احساس تلخ حقارت و شرم، بی عاطفی و روحی و کنترل شخصیتی، انزوا، ناامنی، بی سیستماتیک رفتار و لباس و آمد ارزشی، پوچی و افسردگی، رفت زن، تا محروم کردن او از همیشه آنان را آزار داده و پول و امکانات مادی خانواده و زندگیشان را به یک جهنم واقعی سایر نیازهای مادی و معنوی تبدیل می کند. صدمات شدید اش، تا ضرب و جرح و تجاوز عاطفی و روحی به زنان آنان را جنسی و قتل آنان را در بر می بطور مادام العمر از بسیاری از گیرد. زنان قربانی این خشونت توانایی ها و ظرفیتهای دائمی و سیستماتیک، اگر زیر طبیعی انسانی شان ← ۳



**اعظم کم گویان**  
azam\_kamguyan@yahoo.com  
يك جنبه مهم ستمكشی و حقارتی که در جوامع امروز بر زنان تحمیل می شود، خشونت خانگی از جانب مردان نسبت به

## مصاحبه تلویزیون رهایی زن با ینار محمد رئیس سازمان آزادی زن عراق!



**این مصاحبه تلویزیونی در اوایل ژوئیه ۲۰۰۵ توسط عزت ملکی همکار تلویزیون رهایی زن در کانادا به زبان انگلیسی برای تلویزیون رهایی زن انجام گرفت که بعداً توسط مصاحبه گر پیاده و به فارسی نیز برگردانده شد. برای دیدن کامل مصاحبه تلویزیونی به سایت تلویزیونی رهایی زن www.rahai-zan.tv مراجعه کنید**

**بخش اول رهایی زن:** ینار محمد شما زمانی فعال آزادی زنان شدید؟ دانشگاه بغداد دریافت کردم. یکی از بنیانگذاران سازمان آزادی زن در عراق هستید، لطفاً نام من ینارمحمد است و متولد منتشر شد، درمورد آموزشهای بغداد هستم و تحصیلاتم را در آنتقادی معماری بود. همانجا پایان رساندم و فوق در دوره جنگهای ← ۲

**بقیه از صفحه ۱ مصاحبه ...**

عراق چکار کرد؟

**نیار محمد:**

متمادی که دلایل آنها برای ما مردم عراق اصلاً مشخص نیست، رشد یافت. در زمان حمله اول آمریکا و متحدینش به عراق که به "طوفان صحرا" معروف است در آنجا بودم و در سال ۱۹۹۳ در زمان محاصره اقتصادی عراق، بعد از دو سال تقلاً در کشورهای مختلف، به کانادا مهاجرت کردم. در اینجا بود که بعد از بهبود از ضربه روحی حاصل از جنگ و ویرانی و محاصره اقتصادی عراق، با یک گروه سیاسی مترقی و سکولار بنام کمونیست کارگری آشنا شدم که از کارهای خوبی که آنها در شمال عراق و کردستان انجام داده بودند شگفت زده شدم. بویژه از اراده راسخشان برای تغییر جامعه به یک جامعه آزاد و برابر حیرت زده شدم. بایستی بگویم دیدن کارهای آنها و ملاحظه عکسهای دختران جوانی که در خانه های شریف ساخته شده و اداره میشد، زندگیم را بعنوان یک زن معمارتغییر داده و یک فعال سیاسی شدم. همچنین مشاهده عکسهای دختران جوانی که مورد تجاوز قرار گرفته و در معرض تهدید قتلهای ناموسی توسط خانواده‌هایشان بودند، این احساس را در من بوجود آورد که تغییر این شرایط وحشتناک و ظالمانه نیاز به فعالیتهای بسیار انسانهای زیادی دارد. در آن زمان بود که فهمیدم بعنوان یک فعال سیاسی زن، زندگی معنی واقعیت‌تری پیدا کرده است. بایستی بگویم که من نیز با شروع جنگ به درون جامعه عراق پرتاب شدم و جنگ باعث شد که به داخل بروم و برای ایجاد شرایطی که زمینه تغییر جامعه عراق را به دنیای بهتری فراهم آورد تلاش کنم -

**رهایی زن: ۸ مارس،**

روز جهانی زن، سازمان شما در

مجبوریم بعنوان گروه فشار عمل کنیم و مقاومت کنیم که عراق به یک کشور اسلامی و عقب مانده تبدیل نشود. ما پیام خود را در این کنفرانس از طریق بیش از بیست رسانه گروهی که حضور داشتند خیلی روشن به مردم عراق رسانیم و گفتیم که این حکومت پوشالی نیازهای زنان را برآورد نمیکند و نیازهای زنان را یک قانون اساسی برایی طلبانه برآورد میکند - بنابراین هم زمان با روز بین المللی زن یعنی در روزهای ۸ و ۹ مارس دو واقعه رخ داد، اول اینکه اجتماعاتی که بوسیله زنان سازماندهی شده بود مورد حمایت مترقی ترین گروههای سیاسی و اجتماعی، از جمله حزب کمونیست کارگری عراق قرار گرفت؛ دوم اینکه اجتماعات توسط ما شروع شد اما سازمانهای زنان زیادی به ما ملحق شدند و برنامه ما بین افراد و گروههای بیشتری جا گرفته است و از آن زمان گروههای زیادی با ما تماس میگیرند و میخواهند آنها نیز سهم شوند و این آغاز یک تغییر اساسی در داخل عراق است.

**رهایی زن: چگونه جنگ**

آمریکایی - انگلیسی بر علیه عراق، باعث تقویت اسلام سیاسی شده است؟

**نیار محمد:**

ثابت شد که این جنگ بر علیه عراق، فجیعترین بلا و مصیبت در زندگی زنان و کودکان در عراق بوده و بایستی بگویم در اثر جنگ زنان آسیب پذیرتر شده اند بدلیل اینکه همه جا در معرض آدم ربایی قرار دارند. باندهای سازمانیافته گروگانگیر، زنان را هدف قرار داده و بعضی وقتها آنها زنان را برده می فرورسند. هم اکنون تجارت سگس در داخل و خارج توسط باندهای بزرگ آدم ربا به یک امر داد و ستد تجاری تبدیل شده است. تعجب آور است که هیچیک

از نیروهای اشغالگر و سربازان آمریکایی به این فاجعه بر علیه زنان اصولاً هیچ اعتنایی نکرده و بدفعات مشاهده شده است که زنانی را در محلهایی که سربازان آمریکایی حضور داشته اند ربوده اند و آنها هیچ عکس العملی را نشان نداده اند. یکی از زنانی که مورد تهدید این گروهها قرار گرفته بود به سربازان آمریکایی شکایت برده بود که وی را تهدید کرده اند و سربازان گفته بودند که این امر به آنها مربوط نیست و آشکارا گفته بودند که مساله زنان به آنها ربطی ندارد. از ابتدای جنگ تاکنون بیش از هزار زن ربوده شده که بیشتر آنها مورد تجاوز قرار گرفته و در مواردی آنها را برای تجارت سگس در داخل و خارج کشور فروخته اند. البته بعداً نوع دیگری از آدم ربایی یعنی آدم ربایی بقصد اخاذی پول رایج شد و زنان و کودکان و همینطور بازرگانان زیادی بصورت روزمره برای اخاذی توسط آدم ربایان ربوده میشوند. ما شاهد هستیم که این حکومت پوشالی و نیروهای امنیتی که ایجاد کرده اند قادر نیستند این مسایل را حل کنند و زندگی برای مردم امروز را به فردا رساندن خیلی مشکل شده است و زنان و کودکان در عراق در مواجهه با این فجایع نمیدانند به کجا مراجعه کنند و کاملاً مایوس و درمانده هستند.

**رهایی زن:** آیا موفق بوده اید که به دنیا بگویید که بعد از اشغال عراق چه بر سر زنان عراقی آمده است؟

**نیار محمد:** ما در عراق خود را در وضعیتی یافتیم که قساوت و سببیت بخشی از زندگی روزمره ما را تشکیل داده است. همزمان رسانه های گروهی بما میگویند که "مملکت آزاد شده است" و مردم هم اکنون آزادند و با دیکتاتور سروکار ندارند! و هیچ

## بقیه از صفحه ۱ پشت...

شوند. در آمریکا، گل سرسید هورمون تستاسترون (که به جوامع پیشرفته سرمایه داری، هر ۳۰ ثانیه، یک زن از جانب یکی از نزدیکان مرد خود؛ عمدتاً شوهر یا دوست پسرش، مورد خشونت و آزار قرار می گیرند. ۳۰ درصد زنانی که به قتل می رسند، از خشونت و ضرب و جرح ناشی از حمله شوهرانشان، جان خود را از دست می دهند. زنان مستقل از اینکه در چه سنی هستند، چه فرهنگ و مذهبی دارند، شغل و سطح درآمدشان چیست، و در کجا زندگی می کنند، مورد خشونت جسمی و آزار روحی قرار می گیرند. بینش مردسالارانه که جزیی مهم از اخلاقیات و منش انسان امروز را تشکیل می دهد، زن را مایملک مرد و مرد را فرمانروای بیچون و چرای قلمرو خانه و خانواده تعریف کرده است. زنان در پشت درهای بسته، سهل و ساده قابل دسترسند؛ در تملک مرد قرار دارند و ضعیف تر و بی دفاع تر از هرکس دیگری هستند. خانه، زندان و اسارتگاه زنان است که در آن مورد آزار و فشار روحی و خشونت جسمی قرار می گیرند و به آنان دیکته میشود چه بپوشند، کجا بروند، پست و مکالمات تلفنی شان کنترل میشود، از سینما و گردش و رفت و آمد و ورزش رفتن به تنهایی یا با دوستانشان منع میشوند. مرد روزمره و بطور دائم بدنبال مدرک تخلف زن از مقررات خود است و هرگاه زن دست از پا خطا کند، خشونت و شکنجه آغاز می شود؛ مردان "موقر"، "متشخص" و "محترم" بیرون از خانه، به زندانبانان وحشی همسران خود در خانه تبدیل می شوند. علل و عوامل خشونت: چرا زنان مورد خشونت قرار میگیرند؟ می گویند خشونت مرد نسبت به زن در خانواده، بدلیل مسائلی مانند حسادت، حامله شدن بيموقع زن، مصرف الکل، و یا

مانند بیان خوشحالی، ناراحتی، خشم و عصبانیت و هیجان و ... محروم کرده و به یک افسردگی دائمی دچار می کند. خشونت نسبت به زنان؛ قانونی نوشته نشده و فراگیر در جوامعی که مذهب و سنتهای کهنه حکومت می کنند و مردم فاقد حقوق اولیه فردی و اجتماعی هستند؛ مانند ایران، خشونت قانون جامعه است و نه فقط در قانون بلکه در کلیه جوانب زندگی فردی و اجتماعی رسوخ کرده و اعمال آن بویژه علیه زنان و کودکان تشویق و تجویز میشود. واقعه هولناک زنده بگور کردن و سپس به آتش کشیدن مهرنوش مطبوعی توسط شوهرش در ایران فقط گوشه ای از ابعاد این خشونت و وحشی گری را به نمایش می گذارد. سالنهای پزشکی قانونی جمهوری اسلامی، پر از زنانی است که صف کشیده اند تا از پزشکی قانونی گواهی بگیرند که در اثر ضرب و شتم شوهرانشان استخوانهایشان شکسته شده، دچار جراحات عمیق شده و یا با آتش سیگار سوزانده شده اند. آنان سپس گواهی را برای گرفتن حکم طلاق به دادگاههای اسلامی می برند. در جوامع پیشرفته، که مردم بطور نسبی از برخی حقوق فردی و اجتماعی برخوردارند و جنبشهای قوی اجتماعی برای رهایی زن جریان داشته، تحت پوشش احترام به امور خصوصی افراد، بر اعمال خشونت نسبت به زنان در خانواده، سرپوش گذاشته و جامعه و قانون و پلیس را از دخالت در این مساله و جلوگیری از اعمال خشونت و توحش نسبت به زنان معاف می کنند. زنان در پشت درهای بسته، و در احترام پلیس و قانون به "امور خصوصی" خانواده، قربانی قانون نوشته نشده نظام توحش و ستمکشی زن، و قربانی خشونت مرد می

گیرد. اینها در مکتب این نظام پلیس نباید در این امور دخالت کند. اینها معمولاً خشونت در بیرون خانواده را برجسته می کنند تا بر خشونت درون خانواده سرپوش بگذارند. دفاع از خشونت عصبانیت و از دست رفتن شعور و کنترل، کاملاً متوجه هستند که چه کسی را بزنند. اینها در مقابل روسایشان از کوره در نمی روند و خشونت را نه بر سر رئیس کمپانی، پلیس، خدا و کشیش و صراف و نماینده مجلس، بلکه بر سر زن و فرزندشان که بی دفاع تر و ضعیف ترند، خالی می کنند. این نوع استدلالها واقعیات را پنهان می کنند. وحشیانه که به جان زنان و کودکانشان می افتند، شهروندان عاقل، مطیع و سربزیری هستند که پایشان را از حق و حقوق قانونی شان فراتر نمی گذارند، در عوض در پشت درهای بسته، جایی که طبق نرم ها و قوانین این نظام، قلمرو حاکمیت شان تعریف شده و نام امر خصوصی هم بر آن گذاشته شده، زنان را مورد آزار و حمله قرار می دهند.

دولت، قانون و پلیس و مساله خشونت نسبت به زنان پلیس، قانون و دستگاه دولت، آشکار و پنهان، اعمال خشونت بر زنان از جانب مردان در خانواده، را امر خصوصی و غیر قابل دخالت دولتی و قانونی می دانند. پلیس عموماً در مواردی که زنان تقاضای کمک می کنند، اگر ضارب بیگانه باشد؛ یعنی دوست پسر یا شوهر زن نباشد، سریع عکس العمل نشان داده و ضارب را دستگیر و محکوم میکنند. پلیس عموماً کتک زدن زن را حق مرد می داند و زنان را بدلیل اینکه مرد را به خشونت "تحریک" و "وادار" کرده اند، قابل مجازات می دانند. از نظر پلیس و مراجع دولتی و کل این نظام، مرد صاحب زن و فرمانروای قلمروی خانواده است. مرد محق است که زن را ادب کند و کتک بزند و

بر اساس يك باور عمومی دیگر، می گویند که مرد زیر فشارهای مختلف شغلی و گرفتاریهای دیگر، کنترلش را از دست داده و در حالتی مشابه جنون آتی، زن را کتک می زند. باید پرسید چرا وقتی مرد کنترلش را از دست می دهد به جان زن و بچه اش می افتد؟ علاوه بر این در توضیح منشا اعمال خشونت به زنان گفته می شود که خشونت فقط در خانواده های فقیر و با سطح تحصیلات پایین مرد و زن صورت می گیرد. برخلاف این استدلال، مردانی که زنان را مورد خشونت قرار می دهند، عمدتاً از طبقات متوسط و بالای جامعه هستند. بیش از نیمی از مردانی که همسرانشان را کتک می زنند، افرادی با تحصیلات بسیار بالا و متخصصینی هستند که بعنوان شهروندان خیلی محترم و متخصصی در محیط کار و زندگی و بین آشنایانشان شناخته می شوند؛ نظیر وکلا، روانشناسان، پزشکان، مشاورین و مقامات دولتی و مدیران کمپانیها و صنایع. خشونت و وحشیگری اینها از فقر یا سطح پایین تحصیلاتشان سرچشمه نمی

خونوت بعمل ← ۴

**بقیه از صفحه ۱ نگذارید...**

که باید زندان برود، این ۲ کودک خرد سال من هستند که در فقر مطلق به سر خواهند برد. با زندانی شدن برهان و دوستانش ما خانواده آنها هستیم که باید در این جامعه بی تأمین به زندگی ادامه دهیم. محاکمه کارگران سقز حکم گرسنگی همه ماست.

دوستان عزیزم!

من روی خطابم به همگی شماست. به همگی شما زنان مردان انساندوست و چشم به انتظار حمایت شما هستم. من روی حمایت بی دریغ همگی شما از تهران تا لندن، از آلمان تا کانادا، از سوئد تا سقز حساب میکنم. این احکام علیه محرومان جامعه است، در این مملکت هیچ سرمایه داری

دادن به این زورگویی به ما کارگران در سقز شوید.

با احترام

مریم اخضر پور

عضو جامعه حمایت از زنان سقز  
عضو هیئت موسس تشکل

سراسری کارگران علیه بیکاری

۲۶ آبان ۱۳۸۴

ما در انتظار حمایتهای شما هستیم، ما را تنها نگذارید. خواهان لغو احکام دادگاه و پایان

**بقیه از صفحه ۳ پشت...**

می آورند. در سراسر آمریکا تعداد پناهگاههای حمایت از حیوانات بیش از دو برابر پناهگاههای حمایت از زنان قربانی خشونت است: ۱۵۰۰ پناهگاه برای زنان در مقابل ۳۸۰۰ پناهگاه برای حیوانات بی جا و بیخانمان.

چرا زن، این رابطه خشونت بار را ترک نمی کند؟

درصد قابل توجهی از زنانی که مورد آزار و خشونت شوهران

خود قرار می گیرند، حاضر به شکایت و مراجعه به مراجع قانونی نیستند. نه فقط عواملی نظیر وجود فرزندان مشترک (که خود از قربانیان درجه اول خشونت در خانواده هستند و غالباً بدلیل کل روابط خشونت بار در خانواده توسط پدر و مادر؛ هردو مورد آزار قرار می گیرند)، و فشارهای اجتماعی علیه زن در جامعه، بلکه کل ساختار جامعه، بی تأمینی

اقتصادی و اجتماعی زن و موقعیت کم ارزش و پائین او در جامعه از عواملی هستند که علت ماندن زن و تحمل این رابطه حقارت بار و خفت آمیز را توضیح می دهند. زنان فقط هنگامی که خشونت مرد به اوج خود می رسد و دارد به مرگ و قتل شان منجر میشود، خانه را ترک گفته و به پناهگاههای معدود و سرانجام غالباً به بیخانمانی در خیابانها روی آورند.

در خاتمه علت اعمال خشونت مرد نسبت به زن، نه در بیولوژی مرد و هورمون تستوسترون، نه در سترونی مردان در کنترل و بیان عواطفشان، نه در حسادت و یا استفاده الکل و نه حتی از مغز علیل و روان بیمار و درهم پیچیده مردان ضارب، که از قانون اساسی نظام حاضر؛ یعنی قانون ضعیف کشی و افتادن به جان ضعیف تر و کم دفاع تر از خود سرچشمه میگیرد. مردانی

که زنان را مورد آزار و خشونت قرار می دهند، آنقدر "عاقل" و تحصیلکرده اند و منفعت خود را خوب می شناسند که بدانند جنایت و وحشیگری می شوند، علتش نه در بیولوژی و هورمونهای جنسی یک جنس یا جنون آبی و استیصال مرد زیر فشار، یا صرف زن آزاری و زن ستیزی مذاهب و سنتهای عقب مانده، که از نظام سراپا حیوانی ای سرچشمه می گیرد که آشکار یا پنهان و زمخت یا ظریف، زن را در تملک مرد و کم ارزش

اینها راز بقا در این نظام حیوانی که در آن قوی ضعیف را سرزیر و زیردست قرار می دهد، را بخوبی می دانند. سرچشمه خشونت علیه زنان، نظامی است که زن را در دین، سنت، رسم، قانون، فرهنگ، روابط، خانواده، شغل، عاطفه و همه چیز، انسانی کم ارزش، ضعیف و قابل ستم کرده است. اگر زنان در خانه، خانواده، خیابان، مدرسه، کارخانه، در دادگاه و محضر قانون، خدا و

کلیسا و مسجد و پلیس و دولت بطور سیستماتیک پست و بی ارزش شمرده شده و قربانی جنایت و وحشیگری می شوند، علتش نه در بیولوژی و هورمونهای جنسی یک جنس یا جنون آبی و استیصال مرد زیر فشار، یا صرف زن آزاری و زن ستیزی مذاهب و سنتهای عقب مانده، که از نظام سراپا حیوانی ای سرچشمه می گیرد که آشکار یا پنهان و زمخت یا ظریف، زن را در تملک مرد و کم ارزش

**آدرسهای تماس با ما****دبیر سازمان**

مهرنوش موسوی

Mehr\_musavi@yahoo.de  
Tel: 00491706739503

**مسئول روابط بین المللی**

ناهید ریاضی

nahid@mail.dansbbs.dk  
Tel: 004540453992

**مسئول تشکیلات کل کشور**

لادن داور

Ladann\_d@yahoo.com  
Tel: 00491782084153

**مسئول امور مالی**

مریم افراسیابپور

mafrasiabpour@yahoo.se

**مسئول تلویزیون**

رهایی زن

مینو همتی

MinoHemati@yahoo.com  
Tel/Fax 001(309) 214-6037

**صندوق پستی**

P.M  
P.F:  
102431  
50464 Köln  
Germany

**بقیه از صفحه ۲ مصاحبه...**

ختم این قساوت و زن آزاری که در چند سال اخیر و تحت حاکمیت استبداد حاکم شده است بصورت جمعی تلاش نماییم. بنابراین ما مسئولیت زیادی را تقبل کرده ایم اما حاصل آن خوب است و ادعا نمیکنم که باندازه کافی خوب است و بایستی از هم اکنون به این تلاشها شتاب ببخشیم.

[www.rahai-zan.org](http://www.rahai-zan.org)**توجه: آدرس سایت سازمان رهایی زن تغییر کرده است****از سایت تلویزیون سازمان رهایی زن دیدن کنید!**[www.rahai-zan.tv](http://www.rahai-zan.tv)**به سازمان رهایی زن پیوندید**